



تسبیح یاس



KhetabeGhadir.com

تسوییح یاس

سال ها قبل در عربستان آفرین پیامبر خداوند پیغمبر مسلم صلی الله و علیه و آله و سلم دین اسلام را برای راهنمایی انسان ها معرفی کردند.

مرکز حکومت مسلمانان در آن زمان شهری به نام مدینه بود که پیامبر به همراه خانواده اش در آن شهر زندگی می کردند. پیغمبر محمد صلی الله علیه و آله و سلم دفتری داشتند به نام فاطمه سلام الله علیها که دفتری مهربان و با ایمان بود. فاطمه سلام الله علیها در تمام سال های سفت همراه پدر بود. پیامبر نبی او را بسیار دوست داشت و در هر موقعیتی به نزدیکانش یاد آوری می کردند که هقدر این دفترش برایشان عزیز است و همیشه می خرمودند: «فاطمه پاره تن من است. هر که او را شاد سازد، مرا شاد ساخته و هر که او را اندوهناک کند، مرا اندوهناک کرده است. فاطمه از همه مردم پیش من عزیزتر است.» دلیل این دوست داشتن فقط علاقه ای پدرانه نبود فاطمه سلام الله علیها سرپر تمام زنان عالم بود و ایشان مقام بالایی نزد خداوند داشتند. پیامبر بازها به مردم یاد آوری می کردند که مقام هیچ (ن) و دفتری نزد خداوند به اندازه ای ایشان نبوده است و تا آن تاریخ نباید کسی په از نظر علم و آگاهی و په از نظر دین داری و پژوهیگاری به مقام ایشان نخواهد رسید. از همان سال ها تمام زنان و دفتران مسلمان سعی می کردند کار ها و رفتار ایشان را الگو و سرمشق خودشان قرار دهند.



همسر ایشان نیز بهترین مردمان، نزدیک ترین یار و نیز چانشین پیامبر امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودند. این دو انسان بزرگ در خانه ای ساده و کل که در کنار خانه ای پیامبر ساخته بودند (زندگی من گردند)، خانه ای که یک در آن به مسجد رسول خدا باز من شد. این خانه با ظاهر ساده ای خود بهترین خانه در روی زمین بود چرا که فرشته ای هم در آن رفت و آمد داشت و بهترین مردمان یعنی مضرت فاطمه سلام الله و خانواده اش در آن (زندگی من گردند).

آن ها (زندگی خوبی با هم داشتند). با اهمایی رسول خدا کار های فارغ از خانه را امیر المؤمنین علیه السلام و کارهای منزل را مضرت (هرما سلام الله علیها بدر عهد) داشتند. انجام کار های داخل منزل چنان آسان نبود چون در آن (مان ها وسائل ابتدایی بود مثلا برای پختن غذا باید آتش روشن من گردند و یا برای تهیه نان باید خودشان بروی یا گندم را با آسیاب دستی آرد من گردند و خودشان در تنور نان من پختند.

مضرت محمد صلی الله علیه و آله و هیئت تمام مسلمانان بود و من توانستند از بین زن هایی که در خانه ها کار من گند فدمتگاری برای دفترش مضرت فاطمه سلام الله علیها بفرستند. از طرف ننان مسلمان به قدری ایشان و خانواده شان را دوست داشتند که خودشان دلشان من خواست در خانه ای ایشان خدمت گنند.



اما در آن زمان بیشتر مسلمانان در فقر و قناعت به سر می بردند پس خانواده‌ی پیامبر همیشه طویل زندگی می کردند که هنر فقیر ترین افراد با مشاهده وضع زندگی ایشان آرامش داشته باشند و از فقر خود شرمذن و تراحمت نباشند. برای همین مضرت غاطمه سلام الله علیها فدمتکاری را به منزل نمی آورند و کارهای خانه را خود به تنهایی انجام می دادند.

وقتی اولین فرزاند ایشان به دنیا آمد لکه‌داری کودک نیز به کارهای خانه اضافه شد. (و) ای یکی از همسایه‌ها که میهمان منزل ایشان بود وقتی آثار فستیگی را در چهره‌ی ایشان دید از مضرت غاطمه سلام الله علیها پرسید: «چرا از پدرتان نمی فواهید که فدمتکاری برای شما بفرستد؟» مضرت غاطمه سلام الله علیها فرمودند که بقیه مسلمانان گرفتار هستند و من نمی فواهم زندگی ام از ایشان رامت تر باشد.

(ن) همسایه گفت: «این (و)ها به یاری خدا وضع مسلمانان بهتر شده است. از طرفی با به دنیا آمدن فرزندان شما بسیار گرفتار و فسته هستید و هنر شب‌ها هم نمی توانید به رامتی استراحت نمایید و وقت کمی برای عبادت دارید.»



آن روز مضرت غاطمه سلام الله علیها با همسرشان مشهودت کردند و در پایان تصمیم گرفتند که از رسول خدا بفواهند فدمتکاری را به ایشان معرفی کنند.

پس هضرت فاطمه سلام الله علیها به فانه‌ی پدر (فتند تا از سفتی کارهای منزل بریشان تعریف کنند ولی وقتی به آن‌ها رفتند از پدر فهمالت کشیدند و نتوانستند فوایسته‌ی فهد را به ایشان بگویند پس به منزل باز گشتند.

پیامبر گه دفترشان را بسیار دوست من داشتند فهمیدند که فاطمه سلام الله علیها فوایسته‌ای دارند ولی نمی‌توانند آن را بر زبان بیاوه‌ند. برای همین فردای آن روز فودشان به فانه‌ی آن‌ها آمدند و از ایشان سوال کردند که چه پیش آمده است.

حضرت فاطمه سلام الله علیها با فهمالت از سفتی کارهای منزل برای پدر تعریف کردند و از ایشان راهنمایی فوایستند.

رسول خدا مانند همیشه لبکنند زند و فرمودند «دفترم، مگر نمی‌دانی انجام کارهای منزل برای یک زن بزرگ ترین عبادت است. بدان که انجام کارهای فانه ثواب بزرگ دارد و من نمی‌فوایم از ثواب و فضیلت دفترم ذره ای کم شود.»

حضرت فاطمه جوایب دادند: «پدر چنان فشنودی من در فشنودی خدا و پیامبر خدا است. از امروز من مانند گذشته خودم کارها را انجام من دهم.»

پیامبر (رض) و فشنود لبکنند زند و فرمودند: «هلا امازه بده به تو چیزی یاد بدhem که از چندین فدمتکار بهتر است و بیشتر من تواند برایت مفیدباشد و با انجام آن کارها برایت آسان من شود.»

حضرت فوشمال به رسول خدا نگاه کردند و پیامبر ادامه دادند: «هر روز هنگام فوابیدن و بیدار شدن و بعد از هر نمازاین ذکر را تکرار کن. هر بار عالی مرتبه الله اکبر، عالی مرتبه المحمد الله و عالی مرتبه بگو سبحان الله. آن وقت فواید دید که زندگی و کار برایت آسان من شود و این ذکر بیشتر از هر فدمتکاری به دردت فواهد فورد.»

حضرت فاطمه سلام الله علیها فوشمال از پدر تشرک کرد و به منزل بازگشتند. وقتی امیر المؤمنین علیه السلام به منزل بازگشتند دیدند که همسرشان از همیشه شاد تر است و کم تر از روز های گذشته فسته هستند. علت را از ایشان سوال کردند. حضرت فاطمه سلام الله علیها مادر را برای ایشان تعریف کردند و فرمودند: «با این تسبیع و ذکری که

پدرم به من آموختند دیگر سفتی کار برایم شیرین می شود.»

حضرت امیر لیخند زده و فدا را شکر کردند و فرمودند: «له فوب . با این روش هنگامی که کار دنیا و منزل را انعام می دهی سعادت آفرت را نیز می بابی. من نیز از این ذکر برای رفع مشکلاتم استفاده می کنم.»

از آن روز بود که این ذکر ها به تسبیمات حضرت فاطمه سلام الله علیها معروف شد بعد برای آن که شماره‌ی هر ذکر آسان باشد تسبیحی صددانه را با نشانه هایی بین هر ذکر ساختند و پس از آن مسلمانان برای رفع مشکلات و آسان شدن سفتی ها این ذکر را هنگام بیدار شدن و فوابیدن و همچنین بعد از هر نماز تکرار می کنند.



KhetabeGhadir.com